Examining the moral relationship between the Jewish people and denial from the perspective of the Holy Quran (Surah Al Baqarah) and its role in the historical crimes of this people

Seyyed Shahabuddin Alavi Mihanparast[1] *Farangis Baraz*[2]

Abstract

According to some verses of the Holy Quran, narrations and hadiths, as well as genetic science, the role of the transmission of spiritual and moral characteristics through inheritance in the behavior and destiny of humans cannot be denied. Some believe in the exclusive role of inheritance in determining human destiny, while others consider it as a context that has an effect on the actions of the individual in a necessary manner; not in a complete causal manner. The fate of the Jewish people is also not unaffected by their moral and behavioral characteristics; as God has mentioned in the Quran as the reason for the current wandering and deviation of this people. This kind of willful defiance and rebellion of the Jewish people against the divine commands is called ungratefulness in the Quran. This essay, using an analytical-descriptive method, seeks to answer the question: Can it be said that these undesirable moral and behavioral characteristics mentioned in the Quran about the Jewish people are a racial matter? Is the origin of their inhumane behaviors and crimes in the occupied territories and Gaza not rooted in the rebellion and ungratefulness of this people? The Quran's categorical reference to the existence of undesirable behavioral and moral characteristics among this historical people and their continuation in the form of denying the inalienable right of the Muslims of Gaza to their country of Palestine and waging criminal wars against Muslims, especially the oppressed people of Gaza and Lebanon, is a manifestation of the continuation of the trait of ungratefulness and undesirable behaviors of this people. It can be said that one of the miraculous aspects of the Holy Quran is in proving the racial foundations of the spiritual and moral traits of this people. By mentioning and explaining the characteristics of this people, the Quran has repeatedly pointed out the basis for Muslims' awareness and resistance against them.

Keywords: Quran, Baqarah, Jewish people, ethics, denial, crime.

1. Faculty member at Islamic Azad University of Ilam
Email: mihan۱۳۵۵@yahoo.com
2. Doctor of Philosophy, University of Qom (Corresponding Author)
Email: F_baraz@yahoo.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی رابطه اخلاقی قوم یهود با جحودیت از دیدگاه قرآن کریم (سوره بقره) و نقش آن بر جنایات تاریخی این قوم

سید شهاب‌الدین علوی میهن‌پرست[۱] *فرنگیس براز*[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۴)

چکیده

طبق برخی از آیات قرآن کریم، روایت و احادیث، همچنین علم ژنتیک، نمی‌توان نقش انتقال خصوصیات روحی و اخلاقی را از طریق وراثت، در رفتار و سرنوشت انسان‌ها انکار کرد. برخی قائل به نقش انحصاری وراثت در تعیین سرنوشت انسان و برخی دیگر، آن را به منزله بستری می‌دانند که به نحو اقتضاء در اعمال فرد اثر دارد؛ نه به نحو علیت تامّه. سرنوشت قوم یهود هم بی‌تأثیر از خصوصیات اخلاقی و رفتاری آنان نیست؛ چنانچه خداوند در قرآن، آن را دلیل سرگردانی و انحراف کنونی این قوم ذکر کرده است. این‌گونه سرپیچی و سرکشی ارادی قوم یهود در برابر فرامین الهی، در قرآن جحود خوانده می‌شود. این جستار با روش تحلیلی- توصیفی در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان گفت که این خصوصیات ناپسند اخلاقی و رفتاری مذکور در قرآن در مورد قوم یهود، امری نژادی است؟ آیا منشأ رفتارهای غیرانسانی و جنایات آنان در سرزمین‌های اشغالی و غزه ریشه در سرکشی و جحودیت این قوم ندارد؟ اشاره قاطع قرآن به وجود ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی ناپسند در میان این قوم تاریخی و تداوم آن به شکل انکار حق مسلم مسلمانان غزه در مورد کشورشان فلسطین و شکل‌دهی جنگ‌های جنایت‌کارانه علیه مسلمانان، علی‌الخصوص مردم مظلوم غزه و لبنان، نمود تداوم خصلت جحودیت و رفتارهای ناپسند این قوم است که می‌توان گفت یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، در اثبات زمینه‌های نژادی صفات روحی و اخلاقی این قوم است و قرآن با ذکر و شرح خصایل این قوم، زمینه آگاهی و ایستادگی مسلمانان در برابر آنان را بارها گوشزد کرده است.

واژگان کلیدی: قرآن، بقره، یهود، اخلاق، جحود، جنایت.

---

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام

رایانامه: mihan1355@yahoo.com

۲. دکتری فلسفه دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

رایانامه: F_baraz@yahoo.com

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مقدمه

قرآن تنها منبع گران‌بها و موثقی است که در مورد قوم یهود و خصایل و صفات ناپسندیده آنها سخن گفته است که بسی جای بحث و تأمل دارد. هدف قرآن از بیان این ویژگی‌ها و صفات اخلاقی، شناخت هرچه بیشتر مسلمانان در رابطه با مقابله، مبارزه و برائت از این قوم است. قرآن این قوم را دارای خصلتی ذاتی به نام جحودیت می‌داند که خصوصیاتی چون تحریف کتاب آسمانی تورات، پیمان‌شکنی و انکار آیات الهی، ایمان بر اساس خواسته‌های نفسانی، کشتن انسان‌های بی‌گناه، منکر حق بودن، حسادت نسبت به مسلمانان، آرزوی بازگشت و روی‌گردانی مسلمانان از اسلام، نفاق، غرور، قساوت قلب، تکبر و استکبار، اهانت نسبت به مقام ربوبی و استهزاء و تمسخر پیامبر صلی الله علیه و آله را دربرمی‌گیرد. بیش از ۳۷۰ آیه از آیات شریفه قرآن حدوداً پانزده ویژگی یا شاخص منحصربه‌فرد فرهنگی، اجتماعی و قومی این گروه را تبیین کرده است که می‌تواند استراتژی مسلمانان را در برخورد با قوم یهود در عصر حاضر مشخص نماید. قرآن نگاه ویژه‌ای نسبت به سرنوشت و تاریخ این قوم با توجه به ویژگی‌های مذکور دارد و یکی از داستان‌هایی که قرآن کریم بیش از همه به تفصیل به آن پرداخته، داستان این قوم و دوره مربوط به فرعون و حضرت موسی‌علیه السلام است و بیشترین آیات الهی مربوط به همین دوره تاریخی است. با توجه به تأکید قرآن بر این خصایل باید اشاره کرد که طبق تحقیقات صورت گرفته، هنوز در جامعه یهودی پابرجا است و تغییری در آن حاصل نشده است.

مقالات و تحقیقات زیادی در مورد قوم یهود و اخلاق یهودی نگاشته شده است، اما بیشتر این منابع به تفسیر و برداشتی از سخنان الهی در مورد این قوم و بررسی اخلاقیات و رفتارهای مورد اشاره این قوم در این کتاب الهی است. کتب مورد اشاره که به شرح تاریخی قوم یهود نگاشته شده ازجمله، «بنی اسرائیل» «اثر داوود فتحی»، «باستان‌شناسی کتاب تورات»، اثر ایسرائیل فینکلشتاین، «احوال بنی اسرائیل در گذر زمان از...» اثر رضا مهرآبادی، «کتاب هفت هزار سال فرود و فروغ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

(عقیده کُشی)»، اثر ناصر پویان «کتاب سیر برخورد قرآن با یهود» اثر فهیمه کلباسی اصفهانی و آثار پژوهشی مثل مقاله «نگاهی جامعه‌شناختی به قوم یهود» نویسنده: محمدباقر آخوندی که بررسی جامعه‌شناسی قوم یهود و شکل‌گیری صهیونیسم و اهداف تشکیل آن در منطقه خاورمیانه می‌پردازد و در ضمن بیان مبانی اخلاقی و رفتاری این قوم بیشتر ابعاد سیاسی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله: «خصوصیات منحرفان قوم یهود در قرآن» از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی، به برجسته بودن چندین خصلت و رفتار ناپسند قوم یهود بر طبق دیدگاه قرآن می‌پردازد. مقاله: «ریشه‌های انحرافی یهود» نویسنده، هادی علیزاده که انحرافات قوم یهود را از راه هدایت الهی از زمان رفتن موسی به کوه طور به مدت ٤٠ روز و گوساله‌پرستی قوم در این ٤٠ روز، طمع‌کاری قوم یهود، نادیده انگاشتن حق و حقیقت و کتمان شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و عدم پیروی از دستورات خدا و پیامبرش حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد. ما در این جستار سعی داریم با توجه به دیدگاه شهید مطهری در کتاب «سیری در سیره نبوی» اثبات کنیم که خصلت‌های ذاتی و روانی خود قوم یهود و غرور آنان حتی اینکه خود را فرزند خدا می‌دانند موجب ایجاد این خصایل و رفتارهای ناپسندیده مثل برتری نژادی و شکل‌گیری صهیونیسم شده که قرآن سرمنشأ این خصایل زشت را صفت حجود می‌داند. جحودیت این قوم ذاتی و فطری نیست بلکه امری است که از روی اراده با لجاجت در عدم اطاعت از پیامبرشان و خداوند رخ می‌دهد و جنایات وحشیانه این قوم در حق مردم مظلوم فلسطین متأثر از عقاید و اخلاق ناپسند این قوم است و شناخت و استخراج این ویژگی‌ها برای تمام محققان به ویژه محققان مسلمان از اهمیت اساسی برخوردار است؛ (ر.ک: مطهری، ١٣٦٨، ١ و ٢)، از این جهت که نماد حقیقی یهود (اسرائیل) خطر و تهدیدی بالفعل برای جوامع مسلمان قلمداد می‌شود. «لتجدّن اشد الناس عداوه للذین آمنوا الیهود؛ سرسخت‌ترین دشمنان برای

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مؤمنین قوم یهودند» (مائده، ۸۲) و هم از این رو که قرآن به عنوان وحی الهی، بهترین راه را مبارزه با ظلم این قوم ارائه داده است.

۱. تاریخ قوم یهود

اشاره به تاریخ و سرنوشت قوم یهود از زمان پیدایش و تا زمان نجات از دست فرعون بی‌تأثیر در خصایل رفتاری و اخلاقی این قوم نیست. قوم یهود فرزندان یعقوب هستند که بنی اسرائیل (۲) نامیده می‌شوند چون نسب ایشان به «یعقوب» می‌رسد. سبب نام‌گذاری ایشان به یهود این است که یکی از فرزندان بنی اسرائیل به نام «یهودا» از فرزندان دهگانه‌ای اسرائیل بود. این شخص جد این فرزندان و چهارمین فرزند یعقوب به شمار می‌رفت. بنی اسرائیل همراه با هیکسوس‌ها (شبانان) با اعقاب ابراهیم آمیخته تا آن که سرزمین مصر را تحت تصرف درآوردند (۱۷۵۰–۱۵۸۰ قبل از میلاد) و نسل بعد از نسل در مصر به تنعم و رفاه می‌زیستند و مال و رجال ایشان فزونی می‌یافت. اولاد اسرائیل مدت یک قرن و نیم دیگر همچنان در مصر ماندند و سلاطین مصر (فراعنه) با آنها به خوبی رفتار می‌کردند و با دیگر مصریان تفاوتی نداشتند تا آن که بالاخره نوبت سلطنت به فرعونی رسید [ظاهراً رامسس دوم] که مردی دیوانه مزاج بود. در زمان این پادشاه ذلت و خواری بنی اسرائیل آغاز شد؛ زیرا از یک طرف کاهنان به او خبر داده بودند که حکومتش به دست یک جوان اسرائیلی از بین خواهد رفت و از طرف دیگر زیاد شدن آنها بر قدرتشان می‌افزود و دستگاه مصر را به وحشت می‌انداخت؛ از طرف دیگر نیز هوس افراشتن بناهای عظیم و ساختن شهرها و تأسیس معبدهای باشکوه به دماغ او افتاد؛ البته برای انجام این منظور نیاز به کارگر بسیار داشت؛ پس به اسرائیلیان که در نواحی شمال شرقی ملک او ساکن بودند توجه نمود. آنها را به بندگی گرفت و به عملگی گماشت و به ضرب تازیانه در سراسر ناحیه شمالی ملک خود به اعمال شاقه واداشت؛ بعد دستور قتل‌عام فرزندان پسر را صادر کرد و برای انجام کار جاسوسانی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

گماشت. چاره این مصیبت عظما برای این قوم تنها به دو طریق بود: یا می‌بایستی انقلابی پیش آید وضع مصر دگرگون شود؛ یا آن که پیشوایی از درون آن جماعت قیام کند و آنها را از آن بلیه برهاند. سرانجام پس از مدتی اسارت، مرگ و شکنجه دست توانای حق به کمک آنها شتافت و در سایه کنترل شدید دستگاه حکومت مصر، فرزندی از بنی اسرائیل به دنیا آمد تا قوم خود را از ستم‌کشی نجات بخشد. (بایر ناس، صص ٤٩١– ٤٩٠) در آیات بعد، خداوند می‌فرماید: ما از داستان موسی و فرعون به حق برایت بیان می‌کنیم تا تو و مردم باایمان از دانستن آن سود برید، فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود، گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند؛ پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشت. (قصص، ۳–۵) و در جای دیگر می‌فرماید: و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند. پسران شما را سر می‌بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) نگه می‌داشتند. در اینها آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (بقره، ٤٩)

یهودی‌ستیزی با گسترش مسیحیت در جوامع اروپایی در سال ۱۹۳۳ برای اولین بار در تاریخ به عنوان یک دکترین، در دولتی اعلام شد که در آن افراطی‌ترین حزب ضد یهود به رهبری آدولف هیتلر، به قدرت رسیده بود. اقدامات این دولت از بایکوت مغازه‌داران یهودی آغاز شد. در سال ۱۹۳۵ به دنبال تصویب «قوانین نورنبرگ»، تبعیضات اجتماعی بر پایه تفاوت خونی میان آلمان‌ها و یهودی‌ها تصریح شد و یهودیان در قانون به عنوان شهروندان درجه دوم اعلام شدند. بر مبنای این قوانین، ممنوعیت ازدواج یهودیان با شهروندان غیر یهودی، سلب اجازه کار از پزشکان وکلای یهودی، ممنوعیت ورود کودکان یهودی به مدارس آلمانی، تحمیل نصب علامت «J» روی کارت شناسایی همه یهودیان بود. کار اجباری و تحمیل نصب ستاره زرد روی لباس یهودیان، به تحقیر و تبعیض آنان ابعاد بی‌سابقه‌ای بخشید.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آخرین مرحله تعقیب و سرکوب عبارت بود از بیرون راندن اجباری یهودیان از آلمان به شرق اروپا و به قتل رسانیدن سیستماتیک آنان. از سال ۱۹۴۱ تا شروع جنگ جهانی سیاست نازی‌ها برای حل مسئله یهود، بیرون راندن آن‌ها از آلمان بود. (بریتانیکا، ۱۹٤۱، ٦-۲۲) وجود این تحقیرها در گذشته و عقده‌ای که قوم یهود از مسیحیان و مسلمان در دل داشتند، موجب ایجاد حس تلافی‌جویانه و تلاش برای فراموش کردن گذشته شد. آنان با تکیه بر حس برتربینی که در کتاب تورات بر آن تأکید شده است در صدد برآمدند تا برای جبران گذشته و افزایش اعتبار قومی دست به اعمالی بزند که هم برتری نژاد خود را بر سایر ملل و امت‌ها نشان دهند و هم عقده‌های تحقیر خود را در طول ۱۹ قرن که در دوران هیتلر شدت گرفت را جبران کنند و هم بتوانند قلمرو خود را از نیل تا فرات گسترش دهند. نتیجه این برتربینی و تحقیرهای گذشته، فساد و ظلمی است که از ناحیه یهود علیه مسلمانان غزه رخ می‌دهد.

۲. وراثت

بسیاری از این صفات و خصوصیات روحی و اخلاقی همانند دیگر صفات نژادی و جسمی از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شود؛ وراثت به منزله یک بستر است که گاه این بستر به وسیله عوامل محیطی از جمله تربیت، تقویت می‌شود و گاه تضعیف می‌گردد و اختیار و اراده شخص نیز در سرنوشت او دخالت زیادی خواهند داشت. مؤلفه‌های تربیت و اراده نیز تأثیر به سزایی در رقم خوردن سرنوشت او دارد یا حتی گاهی می‌توانند قانون وراثت را به هم بریزند. از دیدگاه اسلام و هم از دیدگاه دانش ژنتیک، وراثت و ساختار ژنتیکی انسان علّت تامّه جهت تعیین سرنوشت نیست؛ چراکه اگر تنها منبع سعادت و شقاوت را امور وراثتی بدانیم، مسئله اختیار و اراده انسان و بهره‌گیری انسان از این نیروهای انسانی مسکوت باقی می‌ماند؛ لذا هر انسانی با هر قسم وراثتی اعم از مطلوب یا نامطلوب قابل تربیت است؛ اما منشأ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

وراثتی بودن اخلاق و رفتار و تداوم نسل به نسل آن را می‌توان از دیدگاه قرآن، ائمه معصومین، مفسرین قرآن، علوم پزشکی، زیستی و علم ژنتیکی امری غیر قابل انکار دانست. علم ژنتیک یکی از علومی است که اطلاعات پزشکی بخصوص اطلاعات ژنتیک انسانی در آن جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه قادر است با نشان دادن ویژگی‌های وراثتی ژنتیک افراد، تأثیرات عمده آن را بر خانواده، فرزندان، نسل‌ها و گاه گروه‌های اجتماعی خاص، نشان دهد. در علم ژنتیک، وجود توارث در برخی بیماری‌ها یک امر شناخته‌شده است و در حقیقت، به شناسایی پیش‌آگاهی و حتی درمان این گونه بیماری‌ها می‌پردازد. فناوری‌های حاصله از این علم، نه فقط برای تشخیص و درمان بیماری‌ها، بلکه برای تقویت رفتارها و ظرفیت‌های انسانی نیز می‌تواند به کار گرفته شود. (عباسی، ۱۳۸۹، ۱۱-۳۶)

۱-۲. اثبات وراثت از منظر قرآن و روایت

عوامل زیادی در فرایند تربیت اخلاقی دخیل‌اند که یکی از آنها وراثت است، عوامل محیطی، شیوه‌های تربیتی و آموزشی و صفات روحی و اخلاقی بخش مهمی از تربیت اخلاقی شخص را تشکیل می‌دهد. آنچه از مجموع روایات و یافته‌های محققان رسیده است و بیان آنها در این مقال نمی‌گنجد، نشان می‌دهد که وراثت اجمالاً در خلقیات تأثیرگذار است، اما عمل صددرصدی نیست. درباره قوم یهود که همه خود را از اعقاب بنی اسراییل و از اسباط دوازده‌گانه و از فرزندان یعقوب علیه السلام می‌دانند، شاید بتوان گفت که نوع تربیت و شیوه‌های تعلیم و آموزش تورات، گذشته تاریخی مشترک و اشتراکات نژادی بی‌تأثیر در ویژگی‌های اخلاقی این قوم نباشد. در تبیین این موضوع می‌توان به اشارات قرآن کریم و روایات ائمه معصوم علیه‌السلام اشاره‌ای داشت. در قرآن کریم خداوند با تشبیه یک امر معقول به محسوس به قانون وراثت اشاره کرده و می‌فرماید: «سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت جز گیاهان ناچیز و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بی‌ارزش، از آن نمی‌روید» (اعراف، ۵۸) تفسیر اطیب البیان ذیل آیه ٨٤ از سوره الإسراء در زمینه وارثت اخلاق بیان داشته است که مقتضیات افعال بسیار است؛ اول نطفه که پاک باشد یا خراب، دوم لقمه حرام در حال نطفه، در حال حمل و در حال ارضاع و آنگاه در زندگانی دنیوی. سوم پدر و مادر و استاد و معلّم، چهارم رفقا، پنجم اخلاق حسنه و اخلاق سیئه، ششم عادات که به هر طریقی عادت کرد، تغییر آن مشکل است و غیر اینها ولکن تمام به نحو اقتضاء است و قابل تغییر است. (طیب، ۱۳۷۸، ۳۰۰/۸)

در برخی روایات از حضرات معصوم به تأثیرگذاری وراثت بر صفات روحی و خلقی تصریح نشده اما به صورت اجمالی، به نقش وراثت در صفات روحی و شخص افراد اشاره شده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «تُخیَّرو لنطفکم فانَّ العرق دساُس» دساس به معنای داخل کردن و پنهان کردن چیزی زیر خاک است و عِرق به معنای این است که خصوصیات اخلاقی والدین را به طور پنهان به فرزندان منتقل می‌کند، دساس به این حقیقت اشاره دارد که نطفه، اخلاق و سجایا را به فرزندان منتقل می‌سازد. (حجّتی، ۱۳۸۹، ۸۳/۱) صفات روحی و خلقی بخش مهمی از تربیت اخلاقی محسوب می‌شوند، پس بایستی برای عوامل وراثتی و محیطی در ایجاد خصایل اخلاقی ارزش و اهمیت فراوان قائل شد و نیز باید فرض را بر این گذاشت که رفتار هر فردی از خلق و اخلاق آن فرد نشأت می‌گیرد. (الزبیدی، بی‌تا، ۲۵۷/۲۵) علم ژنتیک ثابت کرده که طفل حامل صفات خَلقی، جسمی و عقلی والدین است. اگر آنها از لحاظ خَلقی، جسمی و عقلی صالح باشند، فرزند تابع آنهاست و اگر در کنار عوامل شایسته ارثی، عوامل صحیح تربیتی قرار بگیرد، طفل به اوج عظمت و کمال می‌رسد؛ پس هر کس طالب داشتن نسلی صالح و پاک است، باید در انتخاب همسر پیرو معیارها و ضوابط آیین اسلام باشد (بهشتی، ۱۳۷۰، ۳٤/۱). مرحوم فلسفی در بحثی با عنوان «معنای تعیین سرنوشت کودک قبل از تولّد» صفات موروثی را بر دو گونه دانسته است؛ یک گونه صفاتی که

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به صورت سرنوشت قطعی و قدر حتمی است و تا پایان عمر همراه کودک خواهد بود و به اصطلاح شرایط رَحِم علّت تامة آنهاست، بسیاری از صفات جسمی مانند رنگ پوست و چشم از این قِسم است و برخی صفات روانی مانند دیوانگی موروثی که غیر قابل تغییر است. امّا گونه دوم صفات موروثی هستند که از پدر و مادر به عنوان زمینه مساعد به فرزند منتقل می‌شود و احتمال بروز صفتی را در کودک بیشتر یا کمتر می‌کند و اصطلاحاً قضا و قدر غیر حتمی است و در اصطلاح، شرایط رَحِم علّت مُعدّه آنهاست؛ مثل شجاعت و ترس و سایر صفات اخلاقی هر کدام زمینه مساعدی برای خوبی و بدی در فرزند ایجاد می‌کند، ولی اینها سرنوشت قطعی نیست و می‌توان از راه تربیت، این زمینه را تغییر داد. (فلسفی، ۱۳٦۳، ۱۳٦/۱).

۲-۲. اخلاق نژادی یهود

با توجه به توضیحاتی که در مورد تأثیر وراثت بر امور نفسانی و صفات اخلاقی ارائه شد، باید گفت که قرآن کریم در بسیاری از آیات به برخی خصوصیات اخلاقی و رفتاری ناپسند انسان‌ها در میان اقوام متعدد از جمله سرنوشت و سرکشی اخلاقی قوم یهود اشاره کرده است و آن را خاص قوم یهود ذکر کرده است که امروزه هم ثابت شده از خصایل دائمی این قوم است. یکی از ویژگی‌های قوم یهود در مورد انکار دین و شک در ایمان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «افتطمعون ان یؤمنوا لکم ... واذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا واذا خلا بعضهم الی بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوکم به عند ربکم...؛ آیا (شما مسلمانان) طمع دارید که آنها (یهودی‌ها) به (آیین) شما ایمان بیاورند در حالی که گروهی از آنان (عده‌ای از علمایشان در طول تاریخ) کلام خدا را می‌شنیدند سپس آن را پس از فهم و تعقل (به خاطر اغراض دنیوی خود) تحریف می‌کردند در حالی که (زشتی کار خود را) می‌دانستند و چون کسانی را که ایمان آورده‌اند ملاقات کنند می‌گویند: ما ایمان آوردیم؛ وقتی با یکدیگر خلوت می‌کنند (به یکدیگر) می‌گویند: چرا (از آیات تورات)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آنچه را که خدا (علمش را) بر شما گشوده (مانند آیاتی که صفات پیامبر اسلام و صدق او را بیان می‌کند) به مسلمان‌ها بازگو می‌کنید تا با همین حکم نزد پروردگارتان با شما محاجّه کنند (و پیروز شوند)؟ آیا نمی‌اندیشید؟!» (بقره، ۷۵–۷۶)

در این آیات چنانکه ملاحظه می‌کنید قرآن، ماجرای بنی اسرائیل را رها کرده، روی سخن را به مسلمانان نموده و نتیجه‌گیری آموزنده‌ای می‌کند، می‌گوید: «أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يسْمَعُونَ كَلامَ اللهِ ثُمَّ يحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ يعْلَمُونَ؛ شما چگونه انتظار دارید که این قوم به دستورات آئین شما ایمان بیاورند، با اینکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهم و درک آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟!»؛ بنابراین اگر می‌بینید آنها تسلیم بیانات زنده قرآن و اعجاز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌شوند نگران نباشید، اینها فرزندان همان کسانی هستند که به عنوان برگزیدگان قوم همراه موسی علیه السلام به کوه طور رفتند و سخنان خدا را شنیدند و دستورهای او را درک کردند و به هنگام بازگشت، آن را تحریف نمودند. از جمله «وَ قَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ ...»، در «اسباب النزول» آمده است که گروهی از یهود هنگامی که از طور بازگشتند به مردم گفتند: «ما شنیدیم که خداوند به موسی دستور داد فرمان‌های مرا در آنجا که می‌توانید انجام دهید و آنجا که نمی‌توانید ترک کنید!» و این نخستین تحریف بود. به هر حال در ابتدای ظهور پیامبر اسلام انتظار می‌رفت که قوم یهود پیش از دیگران با ندای اسلام لبیک گویند چراکه آنها اهل کتاب بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸٤، ٤۰۱/۱) این شیوه رفتاری قوم یهود اشاره به خصلت اکثریت این قوم در تحریف دین و نافرمانی از فرامین الهی را دارد که در قرآن از آن به جحود یاد شده است. به قول امام صادق علیه السلام «جحود عبارت از چیزی است که انسان آن را انکار کند، در حالی که می‌داند حق بوده و نزد او ثابت است» (کلینی، ۱٤۰۷ق، ۳۸۹/۲)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۳. جحود

جحود دارای دو معناست؛ یک معنای آن، «قلت خیر» و در «معنای خشک‌سالی» و «رشد گیاه» و فقر است. (ابن فارس، ٤٢٥/١؛ و معنای دیگر آن که فراهیدی، راغب، ابن منظور و مصطفوی، جحود را «به معنای انکار چیزی همراه با علم به صحت آن» دانسته‌اند. (فراهیدی، بی‌تا ۷۲/۳؛ راغب، ١٤١٢، ١٨٧؛ ابن منظور، ١٠٦/٣؛ مصطفوی، ١٣٦٨، ٥٦/٢) قرآن کریم وجود این صفت زشت را در برخی افراد بسیار عالی مجسم کرده است و فرموده است ویژگی اخلاقی آنان این است که: «و زمانی گفتند خدایا اگر این (کتاب) حق است و از جانب توست پس از آسمان سنگی بر سر ما بیفکن یا عذابی دردناک وارد ساز» (انفال، ۳۲) قرآن بسیار زیبا تصویر یک انسان لجوج را بیان کرده است؛ این فرد بجای اینکه بگوید خدایا اگر این مطلب حق است و از جانب توست قلب مرا مساعد کن که بپذیرم، می‌گوید: اگر این سخن حق است عذابی دردناک بر ما نازل کن و مرا از بین ببر؛ که طاقت ندارم زنده بمانم و رو در روی حقیقت قرار گیرم. فلسفه مخالف جحودیت، ایمان و تسلیم است؛ فردی که حقیقت را درک می‌کند و قبول می‌کند مشمول آیه «بلی من اسلم وجه الله» است یعنی «هرکس باید با تمام وجود خود را تسلیم خدا کند» (بقره، ۱۱۲) چنین فردی از صفت جحود مبراست، اما اگر حقیقت را بداند و انکار کند و برای حفظ حیثیت و دستیابی به امور دنیا حقیقت را انکار کند، گرفتار جحود شده است.

در قرآن کریم، دوازده بار از مشتقات آن و ریشه «ج ح د» استفاده شده است. واژه «جحد» در قرآن در قالب «جحدوا»، «یجحد» و «یجحدون» در وصف افراد و گروه‌های مختلف آمده است؛ که می‌تواند مستقیم و غیر مستقیم به جحودیت قوم یهود نیز اشاره داشته باشد «وَ أَمَّا الْوَجْهُ الْآخَرُ مِنَ الْجُحُودِ عَلَى مَعْرِفَةٍ وَ هُوَ أَنْ يَجْحَدَ الْجَاحِدُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ قَدِ اسْتَقَرَّ عِنْدَهُ» و در بسیاری از آیاتی که در سوره بقره در مورد قوم یهود نازل شده خود مؤید جحودیت این قوم است. آیات زیر جحود را با کفر برابر دانسته است:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱. کافران: «... وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ الْکافِرُونَ؛ و آیات ما را انکار نمی‌کنند، مگر کافران» (عنکبوت، ٤٧)

۲. ظالمان و ستمگران: «... وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ الظَّالِمُونَ؛ و آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر ستمگران» (عنکبوت، ٤٩)

۳. پیمان‌شکنان: «... وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ کُلُّ خَتَّارٍ کَفُورٍ؛ و آیات ما را هیچ‌کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس انکار نمی‌کنند.» (لقمان، ۳۲)

٤. قوم عاد: «فَأَمَّا عادٌ فَاسْتَکْبَرُوا فِی الْأَرْضِ ... وَ کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ؛ اما عاد بدون آن‌که حق با آنان باشد در زمین استکبار ورزیدند ... . آیات ما را انکار می‌کنند.» (فصلت، ۱۵)

۵. دشمنان خدا: «ذلِکَ جَزاءُ أَعْداءِ اللهِ النَّارُ لَهُمْ فیها دارُ الْخُلْدِ جَزاءً بِما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ؛ کیفر دشمنان خدا آتش است که در آن سرایی جاوید دارند، کیفری است در برابر انکار آیات ما.» (فصلت، ۲۸)

٦. کسانی که دین خدا را بازیچه گرفتند: «الَّذینَ اتَّخَذُوا دینَهُمْ لَهْواً وَ لَعِباً ... وَ ما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ؛ آنان که دین خویش را لهو بازیچه پنداشتند و زندگی دنیا فریبشان داده بود، امروز ما نیز آنان را فراموش می‌کنیم، همچنان که آنها رسیدن به این روز را از یاد برده بودند و آیات ما را دروغ می‌دانستند.» (اعراف، ۵۱) گفتنی است جحد از مراتب کفر است. (مصطفوی، ۱۳٦۰، ۵۷/۲)

۱-۳. ارتباط جحودیت و یهودیت

صدق صفت جحودیت برای رفتار قوم یهود دارای همین بار معنایی است، زیر آنان با علم به اینکه خداوند و رسالت پیامبرش حق است، آن را انکار می‌کردند و حتی دست به قتل پیامبرانشان می‌زدند. قوم یهود گرفتار جحود شده بودند و این موضوع بر طبق نص قرآن کریم قابل اثبات است. یکی از خصایل قوم یهود نافرمانی از پیامبرانشان است که در قرآن به نافرمانی آنان از حضرت موسی علیه السلام و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

پیامبران بعد از وی اشاره شده است؛ «و جحدوا بها و استیقنتها ظلما و علوًّا فانظر کیف کان عاقبه المفسدین؛ و آنان در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه و برتری‌جویانه انکار کردند، پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟» (نمل، ١٤)

۱-۱-۳. بهانه‌جویی

قرآن کریم در آیه زیر یکی از خصوصیات قوم یهود را مبنی بر مخالفت آنان با حق در اثر غرور و لجاجت چنین بیان می‌فرماید: «مِنَ الَّذینَ هادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ یَقُولُونَ سَمِعْنا وَ عَصَیْنا وَ اسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ وَ راعِنا لَیًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْناً فِی الدِّینِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ اسْمَعْ وَ انْظُرْنا لَکانَ خَیْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لکِنْ لَعَنَهُمُ اللهُ بِکُفْرِهِمْ فَلا یُؤْمِنُونَ إِلاَّ قَلیلاً» (نساء، ٤٦)؛ بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می‌گویند:) بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند:) راعنا [ما را تحمیق کن!]» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. آنان به جای اینکه بگویند «شنیدیم و فرمان‌برداریم» می‌گویند «شنیدیم و مخالفیم» و این درست به سخن کسانی می‌ماند که گاهی از روی مسخره و استهزاء می‌گویند: «از شما گفتن و از ما گوش نکردن». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ٤٠٤/٣)

۲-۱-۳. نفاق و دورویی

قرآن یهودیان زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را منافق و جاسوس معرفی می‌کند و می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ لا یَحْزُنْک الَّذینَ یُسارِعُونَ فِی الْکُفْرِ مِنَ الَّذینَ قالُوا آمَنَّا بِأَفْواهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذینَ هادُوا سَمَّاعُونَ لِلْکَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرینَ لَمْ یَأْتُوک ...» (مائده، ٤١)؛

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

قرآن در آخر این آیه می‌فرماید نامبردگان عبارتند از منافقینی که به زبان می‌گویند ایمان آوردیم ولی دل‌هایشان ایمان نیاورده و اینکه به جای موصوف یعنی منافقین، صفت آنان را آورده و فرموده کسانی که چنین و چنان‌اند خود اشاره‌ای است به اینکه چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله را از غصه خوردن نهی کرد و به همین علت فرمود ای پیامبر این منافقین به علت سرعت گرفتنشان در کفر تو را اندوهگین نسازند؛ برای اینکه آنها با زبان‌هایشان ایمان آوردند نه با دل‌هایشان و اینان مؤمن نیستند و همچنین یهودیانی هم که به نزد تو آمدند و گفتند آنچه را که گفتند، وضع آنان نیز تو را اندوهگین نسازد. (طباطبایی، ۱۳۷٤، ٤۰٤/۱۲) یهودیانی که در این آیه سخن از آنان رفته همان کسانی هستند که سماع کذبند؛ یعنی بسیار دروغ را می‌شنوند و با علم به اینکه دروغ است آن را می‌پذیرند چون اگر علم به دروغ بودن آن نداشته باشند صرف شنیدن دروغ صفت مذموم شمرده نمی‌شود و نیز این یهودیان سماع به نفع قومی دیگرند یعنی به نفع قومی دیگر که نزد تو نیامده‌اند بسیار دروغ می‌شنوند و آن قوم هر چه دروغ بگویند این یهودیان قبول نموده آنان را در هر چه که از ایشان بخواهند اطاعت می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷٤، ٥٥٦/۱۲) خداوند ضمن برشمردن این خصایل، به تبیین این خصلت پرداخته است که قوم یهود از آن بی‌بهره نبوده است.

٤. جحودیت و جنایات قوم یهود

٤-۱. غرور و تکبر

در طول تاریخ یهودیان خود را تافته جدابافته می‌دانسته‌اند و همیشه این تصور را داشته که فقط آنها بنده ممتاز خداوند هستند؛ حتی چنین ادعا دارند که ما پسران خدا هستیم و یا می‌گویند که ما دوستان خاص پروردگار هستیم؛ چنانکه قرآن کریم از زبان آنان نقل می‌کند: «وَ قالَتِ الیَهُودُ وَ النَصارَی نَحْنُ اَبْناءُ اللهِ وَ اَحِبَّاءُهُ» (مائده، ۱۸) (مکارم شیرازی، ۱۳۸٤، ۳۲۸/٤) این آیه اشاره‌ای به نشانه‌ای که در «تلمود»

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آمده است، دارد: «آنان (یهودیان) به این اصل اساس معتقد بودند که اسرائیل قوم برگزیده الهی است، البته این عقیده کتاب مقدس است که در ادبیات و تفسیرهای دانشمندان یهود به حدّ اعلی گسترش یافته است. تلمود مکرر این مطلب را گوشزد می‌کند که میان خدا و یهود رابطه‌ای صمیمی و ناگسستنی وجود دارد.» (کتاب مقدس، تلمود، ۷۹)

نتیجه اعتقاد به چنین باوری این شد که نوعی خودخواهی و خودپسندی که از اوصاف زشتی است، میان یهودیان رایج شد. (تلمود، ۷۹) اما قرآن امت برگزیده بودن یهود را کاملاً رد می‌کند و آن را مختص دوره‌ای خاص و زمانی خاص می‌داند. «... اَنّی فَضَّلْتُکُمْ عَلی العالَمینَ» (بقره، ٤٧) از ابن عباس این گونه نقل می‌شود که مراد از «العالمین» مردمان زمان بنی اسرائیل است، چون امت محمَّد صلی الله علیه و آله به اتفاق همه، برترین امت‌هاست؛ چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله افضل پیامبران است؛ چون در قرآن کریم آمده است. (الطبرسی، ۱۳۷۹، ۲۵۸/۱) یهود با توجه به برتر بودن قومش بر سایر ملل خود را دارای حق و حقوق بیشتری در عالم می‌داند؛ از این رو نژادهای دیگر اقوام حتی مسیحیان، به خصوص مسلمانان را اقوام و از نژادهای پست می‌دانند چنانچه نماینده سابق اسرائیل، دن گیلمرن، در سازمان ملل مسلمانان غزه را حیوانات وحشتناک و پست می‌داند که باید کشته شوند.

۲-٤. قساوت قلب و سنگدلی

از جمله بیماری‌های روحی، روانی و قلبی که در عقل و شرع درمان علاج آنها لازم و ضروری است، بیماری قساوت قلب (سنگ‌دلی و سخت‌دلی) است. افزون بر این، قساوت قلب، سبب بیماری‌های دیگری هم می‌شود که از جمله آنها انحراف انسان از صراط مستقیم عبودیت در گفتار و کردار است. (دستغیب، ۱۳۷٤، ۳۰۳) قرآن کریم آثار وخیم قساوت قلب را این چنین بیان می‌کند: «اَفَمَنْ شَرَحَ اللهُ صَدْرَهُ لِلاِسْلام فَهُوَ عَلی نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَیْلٌ لِلْقاسِیَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِکْرِ اللهِ أُوْلئِکَ فی ضَلالٍ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مُبینٍ؛ پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده و (در نتیجه) برخوردار از نوری از جانب پروردگارش است (همانند فرد تاریک‌دل است)؟ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند، اینانند که در گمراهی آشکارند.» (زمر، ۲۲) قرآن کریم از این سنگ‌دلی یهود این گونه سخن می‌گوید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَهِیَ کَالْحِجارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَ إِنَّ مِنَ الْحِجارَةِ لَما یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْماءُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَةِ اللهِ وَ مَا اللهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ سپس دل‌های شما (یهودیان) بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ یا سخت‌تر از آن؛ چراکه برخی از سنگ‌ها می‌شکافد و از آن، نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد و آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد؛ اما دل‌های شما چنین نیست و خداوند از اعمال شما غافل نیست.» (بقره، ٧٤)

بر پایه شواهد و قرائن فراوان، یهود در طول تاریخ از سنگ‌دل‌ترین ملّت‌ها بوده و هست؛ چنانکه اگر زمانی بر منطقه‌ای حاکم می‌شدند با بی‌رحمانه‌ترین شیوه دست به کشتار می‌زدند. شاید آنان این طور جنگیدن و خونریزی را از توراتِ تحریف‌شده گرفته باشند که در اسفار مختلف از آن سخن به میان آورده است از جمله «...هیچ کسی را زنده نگذارید و به کسی رحم نکنید. پیر و جوان دختر و زن و بچه همه را از بین ببرید. (کتاب مقدس، پیشین، سفر حزقبال، ۵/۹-٦)» و در سفر اشعیا نبی این گونه آمده است «هر که گیرت بیفتد با شمشیر یا نیزه کشته خواهد شد. اطفال کوچک در برابر چشمان والدینشان به زمین کوبیده خواهند شد. خانه‌هایشان غارت و زنان بی‌عصمت خواهند گردید.» (همان، سفر اشعیا نبی، ۱۰/۱۳-۱٦) چنانچه امروز در غزه شاهد کشتار جمعی کودکان و انسان‌های بی‌گناه این سرزمین مظلوم هستیم. جنایات جنگی اسرائیل نقض قوانین کیفری بین‌المللی از جمله جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت است که نیروهای دفاعی اسرائیل، شاخه نظامی دولت اسرائیل، از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به ارتکاب آن متهم شده‌اند. اینها

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

شامل هدف قرار دادن و کشتن عمدی غیرنظامیان، (ویکی پدیا، ۲۰۲۳) کشتن اسیران جنگی و رزمندگان تسلیم‌شده، حملات بی‌رویه، مجازات دسته‌جمعی، گرسنگی دادن به غیرنظامیان، استفاده از سپر انسانی، شکنجه، انتقال اجباری، نقض بی‌طرفی پزشکی، هدف قرار دادن کودکان، خبرنگاران، تخریب‌های بی‌رویه و تحریک به نسل‌کشی می‌شود. کارشناسان حقوق بشر استدلال می‌کنند که اقدامات انجام‌شده توسط ارتش اسرائیل در جریان درگیری‌های مسلحانه در اراضی اشغالی تحت عنوان جنایات جنگی قرار می‌گیرد. گزارشگران ویژه از سازمان ملل متحد، سازمان‌هایی از جمله دیده‌بان حقوق بشر، پزشکان بدون مرز، عفو بین‌الملل و کارشناسان حقوق بشر اسرائیل را به جنایات جنگی متهم کرده‌اند. (ویکی پدیا، ۲۰۲۳)

۳-٤. پیمان‌شکنی، انکار آیات الهی، تهمت و کشتن پیامبران

در ادامه همین آیات خداوند به پیامد نقض پیمان یهود، کشتار، تجاوز، غصب سرزمین‌های یکدیگر اشاره می‌کند: «فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیاة الدنیا ویوم القیامة یردون إلی أشد العذاب؛ برای کسی که از شما این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند.» (بقره، ۸۵) موارد نقض پیمان‌ها و رفتارهای رژیم صهیونیستی در مورد مردم بی‌دفاع و مظلوم غزه و تصاحب سرزمین آنان کاملاً مشهود است. نقض قراردادهایی نظیر مادرید، اسلو، شرم الشیخ، نقشه راه و ... همگی حکایت از ماندگاری این ویژگی در یهود امروز دارد؛ نمونه بارز جنایات قوم یهود، کشتن انبیاء توسط بنی اسرائیل در برخی آیات قرآن ذکر شده، پیامبرانی مانند زکریا و یحیی و عیسی علیه‌السلام نمونه‌هایی از پیامبرانی است که به دست یهودیان کشته شدند. (شبر، ۱٤۱۲ق، ٤۹) بنا بر برخی روایات، بنی اسرائیل در یک روز سیصد پیامبر را کشتند. (سیوطی،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

١٤٠٤ق، ٧٣/١) اینان در حالی پیامبران را می‌کشتند که علم به نبوتشان داشتند و یقین داشتند که اینان فرستادگان خداوند هستند و با این عمل گناه خود را دوچندان می‌کردند. (همان، ١)

همچنین کشتن اشخاص بی‌گناه مثل کودکان و زنان و افراد غیر نظامی و کشتار جمعی آنان ادامه همان جنایات اولیه این قوم است. نمونه بارز خصوصیت پیمان‌شکنی یهودیان، عمل گیلعاد آردن، نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان بین الملل است که گزارش شورای حقوق بشر را که بر ضد اقدامات اسرائیل بود را در محل مجمع عمومی سازمان ملل پاره کرد؛ همچنین نماینده اسرائیل، دنی دانون، در سازمان ملل متحد، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با حمایت ١٢٤ کشور تصویب شده بود و قاطعانه بیان می‌کرد که «اشغال سرزمین‌های فلسطین دیگر نباید ادامه یابد» را یک تصمیم شرم‌آور خواند که از تروریسم دیپلماتیک تشکیلات خودگردان فلسطین حمایت می‌کند. اورن مامورشتاین، سخنگوی وزارت امور خارجه اسرائیل در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که این قطعنامه «یک تصمیم انحرافی است که از واقعیت جدا افتاده است و تروریسم را تشویق می‌کند و به فرصت‌های صلح آسیب می‌زند» این نشان می‌دهد که قوم بنی اسرائیل از آنجا که به پیمان‌های الهی پایبند نبوده، به پیمان‌های جوامع انسانی و سازمان ملل متحد هم پایبند نیست و نخواهد بود. پس کشتار و جنایات غیر یهود را امری بدون مانع می‌داند؛ چون فقط پیرو دستورات و قوانین خود هستند نه قوانین الهی و قوانین بین الملل.

قوم یهود معتقدند که خداوند قلب‌های آنها را بسته است و معتقدند که «چیزی از سخن حق در آن راه پیدا نمی‌کند». (بقره، ٨٨) اما خداوند این ادعای آنها را رد می‌کند و می‌فرماید قلوب آنها مانند دیگر مردم برای هدایت باز است، منتها آنها خود با افکار تاریکشان قلب‌هایشان را به روی هدایت الهی بستند. خداوند نیز به سبب این کار آنها قلوبشان را تاریک نمود؛ در نتیجه ایمان نمی‌آورند، مگر تعداد اندکی از

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آنها؛ چراکه آنها خود قلوبشان را به روی درهای ایمان و معرفت باز نمی‌گذارند. (فضل الله، ۱٤۱۹ق، ۵۳۳/۷)

۵. عاقبت قوم باطل و جنایتکار از نگاه قرآن کریم

در منطق قرآن سنت پیروزی حقّ و نابودی باطل، از اصول همیشگی، همگانی و تغییرناپذیر نظام آفرینش است و بر اساس همین سنت است که در درگیری میان حق و باطل، حتماً پیشرفت از آنِ حق است. مطابق آیه «وَ لِيُمَحِّصَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكافِرِينَ؛ و برای آن است که کسانی را که (از روی حقیقت) ایمان آورده‌اند (از عیوب و آلودگی‌ها) تصفیه و پاک کند و کافران را نابود نماید.» (آل عمران، ۱۴۱) آینده تاریخ با گذشت زمان، در جهت تمحیص یعنی خالص‌سازی مؤمنان از هرگونه عیب و محق یعنی نابودی تدریجی کافران پیش می‌رود. (قرائتی، ۱۳۸٦، ۱۶۴/۲) آیات متعددی از قرآن کریم گویای این مطلب است که یکی از سنت‌های الهی، تسریع در عذاب و هلاکت اقوام ستمگری است که اقدام به غصب سرزمین و محل سکونت رسولان الهی و مؤمنان کرده‌اند و قصد داشته‌اند آنها را از سرزمین‌هایشان اخراج کنند.

مطابق آیات ۷۶ و ۷۷ سوره إسراء که خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَ إِنْ كادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْها وَ إِذاً لا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلاَّ قَلِيلاً. سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنا وَ لا تَجِدُ لِسُنَّتِنا تَحْوِيلاً؛ و نزدیک بود [مشرکان] تو را از این سرزمین حرکت دهند تا از آن بیرونت کنند و در آن صورت پس از تو جز مدتی اندک درنگ نمی‌کردند [و بعد از آن دچار عذاب خدا می‌شدند]. [مهلت نیافتن دشمنان جز مدتی اندک] شیوه‌ای است که همواره درباره [امت‌های] پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم [جاری] بوده است و برای شیوه ما هیچ دگرگونی و تغییری نخواهی یافت»؛ بر اساس این دو آیه، یکی از سنت‌های همیشگی خدای متعال، هلاکت اقوامی بوده که پیامبران الهی را از سرزمین‌هایشان

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بیرون کرده‌اند. عبارت «لا یَلْبَثُونَ: دیری نمی‌پایید» نشان می‌دهد که عقوبت چنین ظلمی در زمان اندکی رخ می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷٤، ۷۸/۱۲) بر اساس برخی از تفسیرها، این آیه اخراج پیامبران و پیروان آنها را با هم شامل می‌شود و منحصر به اخراج پیامبران نیست. (مدرسی، ۱۳۹۸، ۲۸۳/٦) کما اینکه دیگر آیات قرآن کریم همین معنا را تأیید می‌کنند؛

در آیه ۱۳ سوره مبارکه ابراهیم که مجدداً از سنت هلاکت ستمگران به خاطر اخراج پیامبران الهی سخن به میان آمده است: «وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّکُمْ مِنْ أَرْضِنا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِی مِلَّتِنا فَأَوْحی إِلَیْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِکَنَّ الظَّالِمِین؛ ولی کفرپیشگان به پیامبرانشان گفتند: مسلماً ما شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه هم‌کیش ما شوید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد: «ما قطعاً ستمکاران را نابود می‌کنیم.»» علامه طباطبایی به قرینه آیه ۸۸ سوره اعراف که تهدید اخراج از سرزمین را هم خطاب به پیامبر خدا و هم مؤمنان ذکر کرده است، بر این باور است که تهدید به اخراج در آیه ۱۳ سوره ابراهیم هم خطاب به رسولان الهی و هم مؤمنان است و آنچه سبب هلاکت کافران می‌شود، ستمی است که در اخراج رسولان حق و پیروان آنها از سرزمین‌هایشان مرتکب می‌شوند. (طباطبایی، ۱۳۷٤، ۱۲/ ۳٤ و ۳۵)

دسته‌ای از آیات قرآن نشان می‌دهند که سنت هلاکت و عذاب ستمگران بعد از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بر شکل خاصی متمرکز شده است. بر اساس آیه ۱۴ سوره برائت که خطاب به مسلمانان عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده، عذاب دشمنان اسلام مشروط به مجاهدت مؤمنان شده است: «قاتِلُوهُمْ یُعَذِّبْهُمُ اللهُ بِأَیْدِیکُمْ وَ یُخْزِهِمْ وَ یَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَ یَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ؛ با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پرسوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد». این آیه به روشنی به این قاعده مهم رهنمود می‌کند که اگر مؤمنان وارد میدان مبارزه با کافران و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ستمگران نگردند، محال است خداوند آنها را عذاب کند و مؤمنان را بر ظالمان پیروز گرداند؛ (طباطبایی، ۱۳۷٤، ۱٤۲/۱۲) بنابراین در هر عصری اگر مؤمنان شایسته‌ای دست به دست هم بدهند و در میدان مبارزه با دشمن حاضر شوند، بدون تردید جبهه مقابل دچار اضمحلال قطعی خواهد شد و عذاب الهی بر ستمگران محقق می‌شود.

بر همین اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۹۴ وعده نابودی رژیم صهیونیستی تا ۲۵ سال آینده را اعلام کردند، با این حال یک سال بعد، در بیانی مهم بستر و زمینه تحقق این وعده را این طور تبیین نموده‌اند: «رژیم صهیونیستی همچنان که قبلاً گفته‌ایم به شرط مبارزه همگانی و متحد فلسطینی‌ها و مسلمانان با صهیونیست‌ها در ۲۵ سال آینده وجود خارجی نخواهد داشت.» از این بیان روشن می‌شود که آنچه رژیم صهیونیستی را از پای در خواهد آورد، مبارزه‌ای همگانی و یکپارچه توسط جبهه حقّ و به تعبیر دیگر، جلوه‌یافتگی روزافزون حقّ است. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با اشاره به شکست‌های رژیم صهیونیستی به موضوع روند زوال این رژیم اشاره کردند و فرمودند: «پیروزی مردم فلسطین در سال‌های اخیر، به معنای توانایی تشکیل حکومت در تل‌آویو نبوده است که البته این موضوع نیز به فضل پروردگار محقق خواهد شد، بلکه پیروزی اصلی این بوده است که رژیم صهیونیستی که ارتش‌های عربی نتوانستند آن را شکست دهند، به‌وسیله مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت به زانو درآمد و به اذن الهی پیروزی‌های بزرگ‌تری نیز خواهید داشت.» (سایت خامنه‌ای دات آی آر، ۱۳۹۷/۱۰/۱۰)

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که صفات و خصوصیّات روحی و اخلاقی که از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شود، به منزله یک بستر است که گاه این بستر به وسیله عوامل محیطی از جمله تربیت، تقویت می‌شود و گاه تضعیف می‌گردد؛ البته باید

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

گفت که اختیار و اراده شخص نیز در سرنوشت او دخالت زیادی دارد. هم از دیدگاه اسلام و هم از دیدگاه دانش ژنتیک، وراثت و ساختار ژنتیکی انسان علّت تامّه جهت تعیین سرنوشت نیست. به همین خاطر قرآن مجید انسان را از خواری و دنیاپرستی بازمی‌دارد و به سوی عزت، افتخار، توحید و یکتاپرستی فرامی‌خواند و برای بیان حقانیت دعوتش از مثال‌ها و حکایت‌های واقعی و سرگذشت اقوام گذشته برای پند و اندرز انسان استفاده می‌کند که سرگذشت یکی از این اقوام، قوم بنی اسرائیل است؛ اینکه بسیار تکرار شده است به خاطر این است که در هر جای قرآن، در تاریخ یک ملت و قوم، صدها نکته آموزنده اخلاقی و حِکمی نهفته است که به عنوان شاهد عینی و تجربی در قالب فلسفه و علت شکل گرفتن حوادث تاریخی مثل شکست‌ها و پیروزی‌ها و عوامل رشد اخلاقی یا فساد اخلاقی و ... مطرح است.

در قرآن، به خاطر خصایل و صفت ناپسندیده به بیان ویژگی‌های قوم یهود و سرانجام آن می‌پردازد و هر رفتار آنان را سرمنشأ شکست و ذلت و خواری آنان می‌داند. خداوند بعد از یادآوری نعمت‌های بزرگ مادی و معنوی این اصل را یادآور شده که وعده‌های پیروزی که به شما داده شده یک‌طرفه نیست شما به پیمانتان وفا کنید تا من هم به پیمانم وفا کنم، این یک قانون سرنوشت‌ساز تکوینی در تاریخ انسان‌ها است. (بقره، ٤٠)؛ بنابراین، در آیات مذکور عوامل بدبختی و خوشبختی در تاریخی قوم بنی اسرائیل بیان شده که ناشی از اراده و اختیار این قوم در گزینش و انتخاب راه هدایت یا راه ضلالت است که و هر کدام با بینش تازه و نکات جدید و قوانین و اصولی همراه است که جنبه تکرار ندارد و این رویه در تمام قسمت‌هایی که ماجرای بنی اسرائیل تکرار شده که به عنوان فلسفه تاریخی به علت اصلی پیدایش پیروزی و شکست اشاره دارد. در قرآن ضمن اشاره به این صفات ویژگی‌های خاص این قوم، غرور، تکبر و لجاجت را علت سرکش و نافرمانی از دستورات الهی این قوم می‌داند که به خصلت و خوی رفتاری این قوم برگردد که قرآن برای آن صفت جحود را به کار می‌برد و نتیجه آن اسارت، ضلالت بعد از حضرت موسی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

علیه‌السلام و جانشینان وی و سرگردانی و پراکندگی این قوم و بی‌سرزمینی است. در تاریخ بنی اسرائیل اما با این صفات و خصایل ناپسند هنوز هم ادامه دارد و عوامل شکست و ذلت و نابودی بنی اسرائیل است که بارها تکرار شده و باز هم تکرار می‌شود و تکرار نهایی که منجر به نابودی کامل بنی اسرائیل و قوم یهود بشود، هنوز واقع نشده است و بر اساس وعده قرآن کریم در آینده واقع می‌شود چنانکه می‌فرماید: «هنگامی که نخستین وعده فرا رسد مردانی پیکارجو را بر شما می‌فرستیم (تا سخت شما را در هم کوبند، حتی برای به دست آوردن مجرمان) خانه‌ها را جستجو می‌کنند و این وعده‌ای است قطعی». (الاسراء، ۵)

منابع

***قرآن کریم**

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۶ق، **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. بهشتی، احمد، ۱۳۷۰، **اسلام و تربیت کودکان**، تهران: سازمان نشر تبلیغات اسلامی.
۳. حجّتی، سید محمّد باقر، ۱۳۸۵، **اسلام و تعلیم و تربیت**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱٤۰۱، **تفسیر سوره برائت**، قم: انتشارات انقلاب اسلامی.
۵. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۷٤، **قلب سلیم**، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۶. الزبیدی، محمد مرتضی، بی‌تا، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
۷. سیوطی، جلال الدین، ۱٤۰٤ق، **الدر المنثور فی التفسیر المأثور**، قم: کتابخانه ایه الله مرعشی نجفی.
۸. شبّر، عبدالله، ۱٤۱۲ق، **تفسیرالقرآن الکریم**، بیروت: دارالبلاغه للطابعة و النشر.
۹. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷٤، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم: موسسه دار العلم.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۰. الطبرسی، ابوعلی الفضل البن الحسین، بی‌تا، **المجمع البیان فی التفسیر القرآن**، مصحح هاشم رسولی، بیروت: نشر دارالمعرفه.

۱۱. طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۸۷، **تفسیر القرآن**، تهران: نشر موسسه سبطین.

۱۲. عباسي، محمود، شمسی گوشکی احسان، ۱۳۸۹، «**ملاحظات اخلاقی در پژوهشهای ژنتیک انساني**»، فصلنامه اخلاق پزشکي، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۳۶-۱۱.

۱۳. فضل الله، سید محمد حسین، ۱٤۱۹ق، **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت: دارالملاک.

۱۴. فلسفی، محمّدتقی. ۱۳٦۳، **کودک از نظر وراثت و تربیت**، تهران: انتشارات معارف اسلامی.

۱۵. قرائتی، محسن، ۱۳۸٦، **تفسیر نور**، قم: انتشارات نشر معارف.

۱۶. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳٤٤، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی اسلامی.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱٤۰۷ق، **الکافی**، تصحیح غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۱۸. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، بیروت: موسسه وفا.

۱۹. مدرسی، محمدتقی، ۱۳۹۸ق، **من الهدی القرآن**، قم: نشر دار محبی الحسین (ع).

۲۰. مصطفوی، حسن، ۱۳٦۰، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۱. مصطفوی، حسن، ۱۳٦۸، **الحقیقة فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۲. مطهري، مرتضی، ۱۳٦۸ش، **سیری در سیره نبوی**، تهران: موسسه انتشارات صدرا.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، **تفسیر نمونه**، ج۸، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۲۴. ----------، ۱۳۸٦ش، **پیام قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۵. ---------- و دیگران، ۱۳۷۲، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۶. جان بایر، نا س ، ، ۱۳۹۱ش، **تاریخ جامع ادیان**، علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۲۷. پایگاه اطلاع‌رسانیKHAMENEI.IR

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

28. Encyclopedia Britannica,, Art,Sciences, history,…,Eleventes Edrrion, Volme XIV, NEW YORK, 1941.
30. Wikipedia , 2017, Israel, citing 'bias,' won't cooperate with UN rights team". Associated Press. Retrieved 9 October.
29. Wikipedia, Accountability for International Crimes in Palestine". ccrjustice.org. Retrieved 28 October 2023.
30. Wikipedia, 2023, Israeal and occupied Palestinian territories, Amnesty International, 2023 Retrieved 9 October.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]